هلیماب؛ از آیین تا تاریخ



حسن احمدی‌فرد
پژوهشگر، روزنامه نگار و خراسان پژوه

زمین و آنچه از زمین می روید، در باورهای کهن ایرانی ها، پاکیزه و مقدس بوده است. برای همین هم عمده آیین های کهن با پخت غذا همراه بوده است. آیین های سوگواری هم از روزگاران قدیم تا همین روزوروزگار، با پخت غذا و پذیرایی از عزاداران همراه است. غذاهایی که در این مراسم طبخ می شود هم عمدتا غذاهایی است که با گندم و حبوبات به عمل می آید. در روزگار معاصر دو غذا است که اغلب در آیین های سوگواری طبخ می شود و به تبع همین، در فرهنگ غذایی منطقه جا گرفته است؛ «هلیم» یکی از همان غذاهاست که از گندم و بلغور به همراه گوشت فراهم می آید و مثلا در نیشابور، یکی از غذاهای پرطرف دار است تا آنجا که نیشابوری ها نام شهرستان را به عنوان پسوند به ته نام این غذا چسبانده اند، اما هلیم بیشتر از آنکه نیشابوری باشد، خراسانی است و اصلا شاید به اعتبار پیشینه کهن نیشابور در خراسان، هلیمِ نام دار این منطقه، هلیم نیشابوری خوانده شده است.

واژه هلیم در متون تاریخی عمدتا به شکل «هلیماب» (حلیماب) آمده است. مولانا دارد که:

بریز دیگ حلیماب را که کاسه رسید
گشاده هل سرخم را که درد خواره رسید

هلیماب، احتمالا تنها در روزگاران متأخر به شکل «هلیم» گفته شده؛ چنان که مثلا در کتاب «سفره اطعمه» نوشته «میرزا علی اکبرخان آشپزباشی» آشپز دربار ناصرالدین شاه قاجار به شکل «حلیم» بارها و بارها آمده است.

برابر متون تاریخی، هلیماب همین غذایی است که از گندم و بلغور و گوشت به عمل می آید و از قضا، غذایی آیینی بوده و عمدتا در محافل خانقاهی از آن نام برده شده است. بماند که در همین روزگار معاصر هم در سرحدات خراسان، در بخش هایی از افغانستان و تاجیکستان، هلیماب غذایی است آیینی که مثلا در عید قربان و با گوشت قربانی طبخ می شود.

پس به اعتبار همین پیشینه تاریخی، ضبط واژه «هلیم» به صورت «حلیم» نمی تواند درست باشد؛ چنانچه برخی منابع در دفاع از ضبط این کلمه با «ح»، طولانی بودن فرایند پخت و نیاز به حلم و بردباری را دلیل آورده اند که طبیعتا سست و ناصحیح است؛ بماند که استفاده از «لحم» یا همان گوشت هم می توانست ذهن کاتبان و ضابطان را به سمت «حلیم» هُل داده باشد؛ به هر حال در متون تاریخی، «هلیم» به صورت «حلیم» (و حلیماب) ثبت و ضبط شده؛ اما روشن است که غذایی با پیشینه کهن تاریخی نمی تواند نام عربی داشته باشد؛ چنانکه واژه «هریسه» هم، که در متون تاریخی معادل همین هلیم و شله مشهدی (غلور) آمده، با «ه» نوشته می شود.

هلیم، هنوز هم غذایی آیینی است و در همین دهه اول محرم، در بسیاری از محافل عزا، طبخ می شود.

تأسیس کتاب‌فروشی در مکان مسکونی قانونی می‌شود

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، درباره اقدامات معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تحقق بند ج ماده ۹۲ قانون ششم توسعه با موضوع «تعرفه فرهنگی و کاربرد فرهنگی» برای فعالان حوزه نشر و کتاب فروشی، از تشکیل ستاد ویژه در این معاونت خبر داد و گفت: فراخوان ثبت نام در این سامانه به زودی اعلام خواهد شد تا ذی نفعان و مشمولان با ثبت نام از مزایای این مصوبه قانونی بهره مند شوند.

یاسر احمدوند در گفت و گو با «ایبنا» درباره همراهی شهرداری ها برای تحقق کامل قانون «تعرفه فرهنگی و کاربری فرهنگی»، موضوع بند ج ماده ۹۲ قانون ششم توسعه در مناطق مختلف کشور گفت: شهرداری ها در تهران و دیگر مناطق کشور، همراهی دارند؛ باید برخی موانع قانونی برطرف شود. مجموعه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خوشبین است تا شهرداری تهران و دیگر شهرهای کشور در اعطای تسهیلات و دیگر امکانات برای فعالیت های فرهنگی، همکاری حداکثری داشته باشد و مسیر هموار شود.

وی افزود: آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۹۲ قانون ششم توسعه، ۳۰ خرداد ماه سال ۱۴۰۰ تصویب و اول تیر ماه همان سال ابلاغ شد. آیین نامه این بند قانونی در جریان تغییر دولت، مصوب شد؛ بنابراین فرصت اجرایی پیدا نکرد. وزارت فرهنگ و ارشاد دولت سیزدهم به طراحی یک سامانه مکلف شده است تا فعالان، ذی نفعان و بهره برداران به ثبت نام اقدام کنند؛ به همین دلیل ستادی در معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تشکیل شده است. به زودی این سامانه طراحی و در دسترس قرار خواهد گرفت. بخش های دیگر وزارتخانه باید همکاری لازم را داشته باشند.

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: فراخوان ثبت نام در این سامانه به زودی اعلام خواهد شد تا ذی نفعان و مشمولان با ثبت نام از مزایای این مصوبه قانونی بهره مند شوند. امیدواریم دیگر دستگاه ها موضوع بند ج ماده ۹۲ قانون ششم توسعه، همکاری لازم را داشته باشند تا موانع برای توسعه کتاب فروشی و نشر مرتفع شود.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و پراستاری

شیوه نگارش و رسم الخط، موضوعی است که در دوره جدید بیشتر جدی گرفته شده است. در واژه نامه ها و فرهنگ های لغت گذشته در شیوه نگارش برخی از ترکیب ها اختلاف نظر وجود داشته است و به ویژه موضوعی مانند فاصله و نیم فاصله بیشتر در روزگار ما مطرح است. از این رو، برای دیدن شیوه نگارش درست واژه ها و ترکیب های فارسی، فرهنگ املایی خط فارسی (چاپ فرهنگستان) و فرهنگ روزسخن (دکتر حسن انوری-دکتر یوسف عالی عباس آباد) را پیشنهاد می کنم.

#زین_قند_پارسی

ما گنجینه‌هایمان را فراموش کرده‌ایم

مصطفی خادم

گفت و گو

واقعه کربلا از پس حدود هزار و ۳۸۰ سال هنوز برای شیعیان از رونق نیفتاده و داغ همچنان برجاست. روایت ها از دل و از پس هر ماجرای تاریخی یا مهمی جوانه می زنند. آن طور که منابع تاریخی نقل می کنند، نقطه اوج روایت کربلا، ظهر عاشورا بود، اما بوی واقعه پیش از آن به مشام می رسید و ماجرا پس از ریختن آخرین قطره خون بر زمین همچنان ادامه داشت. بسیاری که از مهلکه بازگشته بودند خود راوی دست اول بودند، اما آنچه مکتوب شده و می توان به آن استناد کرد، نادر است. از همین جاست که مورخان میدان را به دست می گیرند و رسانه می شوند برای انتقال آنچه گذشت برای آنان که می آیند. درباره واقعه کربلا، مقاتل و روایت های متعددی در دست است، محمدهادی زاهدی در کتابی با عنوان «شهادت نامه حسین(ع) و شهیدان کربلا» با استناد به کهن ترین منابع، اثری را تألیف کرده است تا به گفته خودش مستند و متقن باشد. او از سه دهه پیش کارهای فرهنگی را آغاز کرده، سردبیری روزنامه های خراسان، قدس و هفته نامه شهرآرا را تجربه کرده و اکنون مدیر مرکز اسناد سازمان کتابخانه هاست. آنچه در ادامه می آید گفت وگویی درباره کتاب ذکر شده است که انتشارات به نشر آن را منتشر کرده است.

چه شد که تصمیم گرفتید سراغ این موضوع بروید با توجه به اینکه مقاتل مختلفی تاکنون منتشر شده است؟

یکی از دغدغه های من؛ بازآفرینی و بازسازی منابع و متون قدیمی به زبان امروز است. به نظرم فاصله ای بین ما و متون دینی مان وجود دارد. ارتباط بایسته ای با گنجینه عظیمی که به دستمان رسیده است نداریم. یعنی زبانی که متناسب با زبان و فهم عموم مردم و خوش خوان باشد که راحت بتوانند بخوانند کمتر وجود داشته است. قدم های خوبی برای رفع این دغدغه با ترجمه خیلی از منابع و متونی که در اختیارمان هست برداشته شده است، با این همه با آنچه باید باشد فاصله زیادی داریم. در همین راستا وقتی روی کتاب امالی شیخ صدوق، از بزرگان شیعه و صاحب یکی از کتب اربعه شیعه، کار می کردم با مقتل مختصری که در این کتاب وجود دارد روبه رو شدم. این مقتل با سلسله روایتی که شیخ صدوق در کتاب آورده است به امام صادق و امام باقر(ع) منتسب می شود. این مقتل بسیار مختصر است و هفت، هشت صفحه بیشتر نیست. درباره این مقتل هم کارهایی پیش از من انجام شده است، اما به نظرم رسید که این مقتل مختصر را با کمک منابعی مربوط به همان دوره و مرتبط به قرون اولیه اسلامی، تکمیل و یک مقتل مستند ارائه کنم.

برای این کار سراغ چه منابعی رفتید؟

سراغ هشت کتاب قدیمی رفتم که از کتاب های معتبری هستند که مقتل امام حسین(ع) در آن ها نقل شده است. اولی کتاب لوط بن یحیی است که ایشان متوفی سال ۱۵۷ ه.ق است، یعنی در قرن دوم می زیسته و کتاب ایشان که به مقتل ابومخنف معروف است. از این کتاب آنچه را که در تاریخ طبری ذکر شده است استفاده کردم. دیگر منابع استفاده شده عبارت هستند از: الامامه والسیاسه نوشته ابن قتیبه دینوری، اخبار الطوال ابوحنیفه دینوری، اخبار الدوله العباسیه متعلق به قرن سوم هجری، انساب الاشراف نوشته احمد بن یحیی بلاذری، مقتل حسین بن علی بن ابی طالب نوشته ابوالقاسم سلیمان بن احمد مشهور به حافظ طبرانی، الارشاد فی معرفه حجج ا... علی العباد نوشته شیخ مفید، الفتوح نوشته احمد بن اعثم کوفی و مروج الذهب و معادن الجوهر؛ نوشته ابوالحسن علی بن حسین مسعودی. این هشت کتاب همه متعلق به قرن دوم وسوم و اوایل قرن چهارم هجری است، یعنی قدیمی ترین کتاب های مقتلی که درباره امام حسین(ع) وجود دارد، بنابراین از این مجموعه آن مقتل مختصری که در کتاب امالی شیخ صدوق بود تکمیل کردم که مقتل مستندی متکی بر منابع اولیه تاریخ اسلامی در اختیار مخاطبان قرار بدهم.

کتاب شما چه دوره تاریخی را در برمی گیرد؟

ماجرای این کتاب از سال ۵۶ هجری، از زمانی که طرح ولایتعهدی یزید مطرح می شود تا زمان مرگ یزید را در برمی گیرد، یعنی فاصله ۸، ۹ سال تاریخ اسلام که مربوط به امام حسین(ع) است در این کتاب ذکر شده است.

وقایع تاریخی آن دوره از چه راه هایی به ما منتقل شده است؟ چه رسانه هایی در این باره فعال بودند؟

در نگارش تاریخ، یا مورخ در بطن ماجرا حضور داشته یا از کسی که در بطن ماجرا حضور داشته، شنیده است. عمده تاریخ ما همین طوری است، یعنی کسانی برای مورخ نقل کرده اند و مورخ آن را ثبت کرده و برای ما به یادگار گذاشته است. همین لوط بن یحیی دغدغه اش این بود که تاریخ اسلام را گردآوری کند و درباره ماجرای کربلا هم سراغ کسانی رفت که در واقعه حضور داشتند یا از کسانی که در کربلا حضور داشتند شنیده بودند، بنابراین نزدیک ترین مقتلی که درباره کربلا نوشته شده و طبری آن را در کتاب خودش حفظ کرده همین مقتل ابومخنف است. البته درباره ماجرای کربلا با توجه به تأکیدی که امامان بر اقامه عزای امام حسین(ع) داشتند، یک رسانه منبر یا رسانه مجالس مرثیه هم داشتیم. در کنار این ها رسانه شعر هم به عنوان یک رسانه مهم حضور داشت، بنابراین اگر بخواهیم خیلی خلاصه و مختصر جمع بندی کنیم، روایتگران تاریخ و مراثی کربلا عبارت هستند از: یکی راویانی که روایتگر ماجرا بودند، دوم کسانی بودند این روایت ها را مکتوب کردند، سوم مجالس مرثیه ای که برای امام حسین(ع) برگزار می شد و پس از آن ها شاعران و سخن سرایانی که در رثای امام حسین(ع) شعر می گفتند.

به نظرم فاصله‌ای بین ما و متون دینی‌مان وجود دارد. ارتباط بایسته‌ای با گنجینه عظیمی که به دستمان رسیده است نداریم. یعنی زبانی که متناسب با زبان و فهم عموم مردم و خوش‌خوان باشد که راحت بتوانند بخوانند کمتر وجود داشته است



در این مسیری که تاریخ و واقعه روایت می شود ممکن است چیزهایی اضافه یا کم شود یا تغییراتی داشته باشیم و از آن شکل مستند خودش در مواردی خارج شود و یکی از گلایه هایی که مراجع یا علما دارند این است که در برخی روضه ها یا هیئت ها مطالب غیر واقعی منتقل می شود. شما فکر می کنید چقدر ممکن است این اتفاق ها بیفتد و چرا؟

در طول تاریخ پس از شهادت امام حسین(ع) که تقریباً هزار و ۳۸۰ سال-به-سال قمری-از آن می گذرد، کسانی برای اینکه این تاریخ را روایت کنند دغدغه داشتند و قریب به اتفاق آنان که این تاریخ را روایت کردند انگیزه های خوبی داشتند و می خواستند صدای مظلومیت حسین(ع) را به گوش مردمان برسانند، اما به نظر می رسد که گاهی به روایت های ضعیف رجوع یا داستان پردازی و اسطوره سازی کرده اند. مسئله شهادت امام حسین(ع) مسئله کوچکی نبود و احساسات بسیاری را در طول تاریخ اسلام جریحه دار کرد و این احساسات جریحه دار شده گاهی چیزهایی را می نوشتند و می گفتند که در درون خودشان بود و بعد همین ها به یک متن تاریخی تبدیل می شد. مثلاً یکی از کتاب های مشهور به نام «روضه الشهدا» نوشته ملاحسین کاشفی است. پیش از این اثر، کتاب خوبی در زبان فارسی که مقتل امام حسین(ع) و ماجرای کربلا را روایت کند نداشتیم. ملاحسین کاشفی یک ادیب توانمند بود و قلم بسیار خوبی داشت. در عین حال سخنران و خطیب بسیار خوبی هم بود. نویسندگان یا گویندگانی مانند او گاهی چیزهایی به ماجرای کربلا اضافه کرده اند و در مواردی از متن مستند تاریخی فاصله گرفته اند. شهید مطهری در کتاب حماسه حسینی و بزرگانی قبل و بعد از ایشان، به همین موارد اشاره و با پدیده تحریفات مقابله کرده اند، اما نکته مهم این است که در کنار مقابله با تحریفات و برشمردن آن ها، یک تاریخ مستند و متقن در اختیار مخاطبان خودمان قرار بدهیم تا اشکالات برطرف شود و علاقه مندان اهل بیت علیهم السلام به تاریخی مستند دسترسی داشته باشند.

پس باید تفاوت قائل شویم بین روایت هایی که در قالب تاریخ و شعر یا مرثیه ارائه می شود. ما در موضوع کربلا یک مواجهه تاریخی داریم که باید دقیق و مستند باشد؛ حق نداریم به هیچ وجه چیزی از تاریخ کربلا کم کنیم یا بر آن بیفزاییم. در نگارش و بیان هیچ تاریخی حق نداریم جز حرف مستند و متکی بر منابع درست و متقن، چیزی بگوییم و بنویسیم و درباره امامان و بزرگان دین به طریق اولی چنین حقی نداریم. یک مواجهه ادبی هم داریم که ماجرای آن کمی فرق می کند. شاید نشود در شعر التزام کامل و دقیق به متن ماجرا شود، ولی مخاطب باید بداند چیزی که می شنود شعر و نوحه است و شعر بیانگر نگاه شاعر یا برداشت او از یک واقعه است و با روایت تاریخ فرق می کند و آنچه در شعر و نوحه ها بیان می شود بازگوکننده متن تاریخ نیست، بلکه روایتگر نگاه شاعر و برداشت اوست. هرچند بزرگان ما همواره تأکید داشته اند و دارند که شعر و نوحه نیز باید با تکیه بر منابع و تعهد به متن ماجرا سروده شود و مجالس حسینی باید افزون بر پاسداشت حرمت خاندان رسالت، نشردهنده و تبیین گر آموزه ها و اندیشه ناب امامان باشد.



نقد کتاب «دقایق» سعید تاج محمدی در حوزه هنری برگزار شد

دقیقه‌های مردد!

محبوبه عظیم زاده

نقد کتاب

نود و یکمین جلسه از سلسله جلسه های نقد کتاب حوزه هنری خراسان رضوی به کتاب «دقایق» سعید تاج محمدی اختصاص پیدا کرد. این برنامه با مدیریت محمد کاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر حوزه ادبیات، یکشنبه ۹ مرداد در ساختمان حوزه هنری مشهد برگزار شد و شاعران و منتقدانی چون قاسم رفیعا، علیرضا سپاهی لایین و حسن سرداری و مجید عسگری، رئیس حوزه هنری خراسان رضوی در آن، حضور داشتند.

متن زندگی من در دقایق وجود دارد

«دقایق» را انتشارات شهرستان ادب در ۹۲ صفحه منتشر کرده است که حاوی ۴۱ غزل با مضامین مختلف آیینی، اجتماعی و عاشقانه از سعید تاج محمدی است. این کتاب اولین مجموعه شعر این شاعر کاشمری است که خودش از آن به عنوان یک اتفاق و تجربه خوب یاد می کند و می گوید آن را بسیار دوست دارد: «بسیار خوش حالم که در خدمت استادان خراسان هستم. به طور قطع این جلسه انرژی مضاعفی به من می دهد. این کتاب را دوست دارم و تقریبا بخش عمده ای از اشعار آن در مکان های مختلف سروده شده است و می توانم بگویم متن زندگی من در کتاب دقایق حضور دارد.»

احساس تعهد نباید ارزش ادبی اثر را کم کند

قاسم رفیعا اولین شاعری بود که صحبت از «دقایق» را آغاز کرد و گفت: «سهل انگاری رخ داده از سوی شاعر به شدت مشهود است؛ او خیلی راحت از کنار ساخت برخی شعرها می گذرد و اولین کلمه ای را که به ذهنش می رسد انتخاب می کند. در صورتی که چکش کاری ها و بررسی های بعدی می تواند اثر را تقویت کند.»

رفیعا این نقد را هم به شعرهای تاج محمدی وارد دانست که: «خیلی مواقع احساس می شود که احساس تعهد او را وادار به شعر گفتن می کند که من این را نمی پسندم. رسالت اعتقادی شاعر بر سرایش شعرهایش اثر گذاشته است و این کار به اثر هنری لطمه می زند. یک اثر باید در وهله اول شعریت داشته باشد و ارزش ادبی، نه اینکه برای موضوع خاصی سروده شده باشد.»

برخورد محکم با زبان، شاخصه شعر بزرگان

در ادامه این نشست، علیرضا سپاهی لایین از این گفت که شعر یک اتفاق در زبان است و یک مجموعه شعر وقتی برای من اهمیت پیدا می کند که ببینم برخورد شاعر با زبان جدی است و متناسب؛ هم به لحاظ زمانی و هم به لحاظ مضمون. او به این نکته اشاره کرد که: «در واقع برخورد محکم با زبان شاخصه برجسته کردن یک اثر است و در اشعار بزرگانی چون حسین منزوی، قیصر امین پور و محمد علی بهمنی این نکته مشهود است. شاعر نباید در این باره سهل انگاری کند. وسواس بیشتر در برخورد با زبان است که شعر را کیفیت می بخشد.» لایین معتقد است این برخورد درست با زبان در «دقایق» در خیلی جاها وجود دارد. او همچنین گفت: «به همه چیز پرداختن نکته دیگری است که شاعر باید به آن توجه کند، به این معنا که او باید از هر چیزی که در پیرامون خود می بیند متأثر شود. چون این خاصیت زندگی است، زندگی ما تک بعدی نیست. این نکته در اشعار تاج محمدی وجود دارد. این یعنی او به عنوان یک شاعر نسبت به اتفاقات اطراف خود حساس است. با این حال، نباید فراموش کرد که نباید اجازه دهیم اثر، به یک اثر سفارشی تبدیل شود.»

شعر و ادبیات نیازمند نگاه عمیق تری است

حسن سرداری نیز به عنوان سومین منتقد پشت تریبون حاضر شد و به صورت موردی و با ذکر جزئیات به نقد اشعار تاج محمدی پرداخت. استفاده از حروف اضافه در جای نامناسب خود، تعابیر نه چندان جذاب و جای خالی آرایه های ادبی به عنوان یک ابزار برای شاعر، از جمله نکاتی بود که سرداری به آن اشاره کرد. حسن ختام این نشست با طرح پرسشی از مجید عسگری، رئیس حوزه هنری خراسان رضوی، همراه شد. او ضمن مطالبه گری برای فعالیت هدفمند بیشتر در حوزه شعر و ادبیات از اهل ادبیات و فرهیختگان، از این گفت که باید بیشتر به این نکته توجه شود که شعر امروز خراسان و کشور باید از کجا به کجا برسد و قرار است چه مسئله ای را در حوزه هنری ما حل کند؟



تشدید بحران

نگاهی به نبود پیوست رسانه‌ای در بحران

نقد فرهنگی



محمد جواد استادی
پژوهشگر مطالعات فرهنگی

پویایی و کنشگری هر نظام و ساختار اجتماعی در گرو حفظ آرامش، تثبیت بستر فعالیت و هماهنگی و تناسب عملکرد اجزای مختلف آن است. آشکار است بدون کوشش برای تحقق زمینه محیطی عقلایی، دارای ثبات و به دور از هیجان، در یک کل پیچیده چون جامعه که از واحدهای کوچک تری تشکیل شده است نمی تواند به سرانجام و آرمان های نهایی خویش دست یابد، همچنین از آن روی که جامعه ها جدای از ساختارهای تعریف شده و قواعد ابداعی، از کنار هم قرار گرفتن مجموعه ای از انسان ها شکل گرفته اند، پیچیدگی بیشتر شده و زمینه سازی بستر محیطی مورد نیاز به سامان رسیدن کنش های اجتماعی به دلیل تنوع ذاتی انسانی بسیار مشکل تر خواهد بود. کنار هم قرار گرفتن افرادی با تراز آگاهی، سواد، زمینه هویتی، مناسک و آیین های اختصاصی خود و ویژگی های رفتاری متفاوت، کنترل و هدایت جمعی را در راستای اهداف مشترک نظام های زیستی ساخت یافته در قالب جامعه، مشکل خواهد کرد. به ویژه آنکه توسعه و گسترش لجام گسیخته و خارج از کنترل و سامانمند فناوری از یک سو، فراگیری و نفوذ رسانه های عمومی از سوی دیگر و البته مهم تر از همه تبدیل شدن هر یک از اعضای جامعه به یک انسان-رسانه (به دلیل در اختیار قرار گرفتن ابزارهای رسانه ای برای هر فرد) و شعار گردش آزاد اطلاعات بدون در نظر گرفتن منطق و اقتضائات آن، خطر تداخل در تناسب و هماهنگی های درونی جامعه را به شکلی جدی تقویت کرده است.

چنانچه اشاره شد اثر بخشی و سرانجام یافتن برنامه ها و اهداف هر جامعه در گرو حفظ جریان عادی زیست و نظم بایسته برای هماهنگی های درونی و جلوگیری از خروج کارکردهای بخشی از زمینه های تعیین شده پیش بینی آن هاست، ولی با این حال در هیچ شرایطی نمی توان از وقوع بحران های پیش بینی نشده و خارج از کنترل کارگزاران و دست اندرکاران جلوگیری کرد. رویدادهای گوناگونی که خارج از اراده ساختارهای جامعه به وجود خواهد آمد که نظم و آرامش لازم برای حفظ کارکرد نظام اجتماعی را با آسیب مواجه می کند. به عنوان نمونه حوادث طبیعی گوناگونی چون زمین لرزه، توفان، بیماری های همه گیر و... در هر زمانی می تواند نظم اجتماعی را برهم زند. از این روی و با توجه به اجتناب ناپذیر بودن بحران ها مفهوم کنترل بحران معنی می یابد، ولی کنترل بحران دارای دو تراز گوناگون است که یکی از آن ها کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تراز نخست مدیریت بحران مربوط به عملکرد منطقی، سریع، هماهنگ و هدفمند کارگزاران دولتی است که بتوانند به طور یکپارچه از گسترش آسیب های بحران جلوگیری کنند و خطرات را به کمترین حد برسانند و جامعه را به سرعت به نظام سابق خویش بازگردانند.

ولی دومین سطح مدیریت بحران که متأسفانه در کشور ما کمتر مورد توجه قرار می گیرد مربوط به کنترل روانی جامعه و مدیریت اذهان جامعه برای ایجاد آرامش مورد نیاز است. آشکار است اگر در کنار بحران پیش آمده همچون سیل های اخیر، نتوان زمینه روانی و رفتاری جامعه را مدیریت کرد، آسیب های بحران های پیش آمده دوچندان خواهد شد. رسانه های عمومی به عنوان مرجع اصلی شکل دادن به ذهنیت مردم از طریق انتقال اطلاعات و البته چگونگی تحلیل این اطلاعات نوع نگاه مردم به بحران و رفتارهای احتمالی آن ها را تعیین می کنند. در حوزه مدیریت بحران یکی از اقدامات مغفول ولی الزامی اتخاذ سیاست مرکزی واحد در رسانه های عمومی برای این امر است. نبود این سیاست واحد ضمن ایجاد بی اعتمادی در مردم، زمینه ساز رفتارهای پرخطر اجتماعی نیز خواهد گشت.

در کنار رسانه های عمومی امروز که در عصر رویکرد دوم سواد رسانه ای یا همان انسان-رسانه قرار داریم، هر یک از افراد به دلیل در اختیار داشتن ابزارهای تولید پیام رسانه ای و با حضور در شبکه های اجتماعی، خود به تولید پیام و ارسال آن اقدام می کنند. نگاهی به حجم و تعدد پیام های تولید شده مردمی در همین سیل اخیر اهمیت موضوع را روشن می سازد. بدون کنترل این مسئله، بحران بسیار پیچیده تر و نظم روانی جامعه با خطر جدی روبه رو می شود.

امروز نحوه مخابره اخبار بحران چه در رسانه های عمومی و چه در شبکه های اجتماعی مردمی نه تنها به حل بحران کمکی نکرده است، بلکه زمینه تشدید آسیب های بحران را فراهم می آورد. اتخاذ سیاست رسانه ای واحد برای رسانه های عمومی از یک سو و گسترش سواد رسانه ای با رویکرد مدیریت تولید شخصی و نه تنها چگونگی مصرف، راه بنیادین برون رفت از مشکل است. به عبارت دیگر پیوست های رسانه ای مدیریت بحران اصلی اساسی، ولی فراموش شده است.